



## وقتی ترامپ هم به لطف آل سعود مفسر اسلام و قرآن می‌شود!

ترامپ هم مانند بسیاری از پیشینیانش شروع کرده اسلام ناب را نه تنها برای آمریکاییان یا مسلمانان آمریکایی، بلکه برای مسلمانان خاورمیانه یعنی مهد اسلام توضیح دهد. هدف او دقیقاً چیست؟

به گزارش آران نیوز: «تصمیم گرفتیم اولین سفرم را به قلب دنیای مسلمانان انجام دهم». این را ترامپ در برابر سران عرب گفت در حالی که همه می‌دانستند اساساً به دلیل تلاش‌های مداخله‌جویانه قدرت‌های خارجی چیزی با نام «دنیای مسلمانان» یا «جهان اسلام» وجود ندارد.

این در واقع تصور رسانه‌های غرب از جهان اسلام است، جایی در شرق، دوردست، پر از بیابان و جنگ. یعنی دقیقاً همان جایی که هیچ ربطی به آمریکا ندارد و بنابر این می‌توان ورود مهاجرانش را ممنوع کرد. این تلاش بیهوده‌ای است برای جهانی‌نشدن اسلام. اکنون اکثریت جمعیت ۱.۶ میلیاردی مسلمانان در خارج از خاورمیانه زندگی می‌کنند. جالب این است که ترامپ پس از عربستان به اسرائیل سفر می‌کند، لابد با این تصور که این صهیونیست‌های فرصت‌طلب، قلب جهان یهود را در اختیار دارند. بگذریم. مشکل بزرگتر این است که ترامپ هم مانند بسیاری از پیشینیانش قصد کرده اسلام ناب (!) را نه تنها برای آمریکاییان یا مسلمانان آمریکایی، بلکه برای مسلمانانی که در مهد اسلام یعنی خاورمیانه زندگی می‌کنند توضیح دهد. گفته می‌شود متن سخنرانی او را استیون میلر نوشته است، کسی که از دوران دانشجویی ید طولایی در اسلام‌هراسی داشته و در آخرین اقدام برای ممنوعیت مهاجرت مسلمانان تلاش کرد.

داستان تفسیر قرآن کریم از سوی رؤسای جمهور آمریکا به توماس جفرسون برمی‌گردد، زمانی که او در درگیری آمریکا با دزدان دریایی به انگیزه‌های مذهبی آنان اشاره کرد. او همچنین یک قرآن نزد خود داشت. در دوران کنونی اما با جیمی کارتر آغاز می‌کنیم. او که از هواداران پروپاقرص بازشدن فضای اجتماعی و سیاسی بود، تأکید کرد آمریکاییان با مسلمانان دارای ریشه‌ها و ارزش‌های مشترک است.

جفرسون یک قرآن داشت و در درگیری آمریکا با دزدان دریایی به انگیزه‌های مذهبی آنان اشاره کرد پس از او ریگان سر کار آمد و در دیدار با قذافی گفت: «باید اضافه کنم که درخواست سرهنگ قذافی برای حمایت بی‌چون‌چرا از جهان اسلام موجب می‌شود بسیاری به من به عنوان چهره‌ای ریاکار انتقاد کنند... مسلمانان در اینجا بیش از افغانستان کشته می‌شوند و سرهنگ قذافی با کسانی متحد است که این جنایت را با اسلام توجیه کرده و در واقع به تمام بشریت نسبت می‌دهند.»

نوبت به بیل کلینتون رسید و او هم در ترکیه آرزو کرد «بار بعد که یک رئیس‌جمهور آمریکا در کشوری مسلمان سخنرانی می‌کند، بتواند بگوید پیشرفت اندونزی و نیجریه و مراکش و سایر کشورها به ما کمک کرد تا اثبات کنیم برخورد ناگزیر و ذاتی تمدن‌ها یک دروغ است». او چند سال پیشتر یعنی در ۱۹۹۴ میلادی در اردن گفت: «ما می‌دانیم ارزش‌های سنتی مانند فداکاری در راه ایمان، عمل صالح، خدمت به خانواده و جامعه هماهنگ با برترین ارزش‌های آمریکا است.» کلینتون یک سال بعد در غزه تأکید کرد «ما هر دو می‌دانیم که اساساً نمی‌توان فلسطینیان و در کل، اسلام را با تروریسم همسان پنداشت.»

حادثه ۱۱ سپتامبر، دوره بوش را به اوج تفسیر اسلام از سوی کاخ سفید تبدیل کرد. او یک هفته بعد از حادثه صراحتاً گفت «تروریسم، چهره واقعی اسلام نیست». اما طی سالیان بعد، نه تنها ایران و سوریه را به عنوان دو کشور اسلامی، محور شرارت معرفی کرد بلکه تعبیر «اسلام تندرو» را در ادبیات رسانه‌ای و سیاسی آمریکا جا انداخت که به باور وی «انحرافی از یک عقیده ناب و تبدیل آن به ایدئولوژی مهلک» است.

اوباما در دوره ۸ ساله خود تلاش کرد تا مسلمانان را با اصطلاحاً ارزش‌های مدرنیته سازگار کند. او در همان سال نخست به قاهره رفت و در سخنان خود تأکید کرد تفاوت‌های فکری و فقهی میان مسلمانان موجب غنای بیشتر این دین شده است اما نباید به شکاف‌های عمیق و خشونت‌های تراژیک ختم شود. او می‌خواست به خیال خودش راه‌حل زندگی اسلامی اما خوشحال، پیشرفته و دموکرات را به اعراب یاد بدهد. از این رو در سال ۲۰۱۴ صراحتاً گفت «داعش، اسلامی نیست.»

متنی که برای ترامپ نوشته شده بود، تندروی سیاسی گذشته او را نداشت اما اشاراتش به ارزش‌های اسلامی بسیار ریاکارانه و متناسب با منافع آمریکا در منطقه بود

ترامپ آخرین نمونه از تفاسیر اسلامی از سوی رئیس‌جمهور آمریکا است. او به قلب صدور تروریسم یعنی ریاض رفت اما آن را به دلیل وجود مکه و مدینه، قلب جهان اسلام نامید. او «دعا» کرد سخنرانی‌اش آغازی بر پایان تروریسم در میان مسلمانان و شاید سراسر جهان باشد با اینکه خود در مبارزات انتخاباتی‌اش تأیید کرده بود دولت آمریکا مسبب اصلی تشکیل داعش است. داندل ایران را هیزم‌آور آتش اختلافات فرقه‌ای نامید اما قطعاً می‌دانست بسیاری از سران و نمایندگان کشورهای که رویاروی او بودند، در جنگ عراق علیه ایران به بغداد کمک کردند فقط به این دلیل که بیشتر ایرانیان شیعه هستند.

ترامپ ۴۶۰ میلیارد قرارداد تسلیحاتی و نظامی را با کشوری امضا کرد که طبق اسناد سازمان ملل جنایات جنگی در یمن مرتکب شده است. در حالی که نهضت مردمی و زیرساخت‌های یمن زیر موشک‌های آمریکایی آل سعود است، داندل در سخنرانی‌اش

گفت: «دیدگاه ما یکی است: صلح، امنیت و پیشرفت اقتصادی برای منطقه و جهان.» دلیل آن واضح است «این قرارداد کمک می‌کند که عربستان سعودی نقش پررنگ‌تری در اقدامات امنیتی داشته باشد.» که منظور او مقابله با دشمنان آمریکا و افشای اطلاعات آنها به واشینگتن است. چنین دولتی برای ایالات متحده بهترین الگو برای صدور به همه کشورهای اسلامی است. رئیس‌جمهور ایالات متحده در حالی از «منافع و ارزش‌های مشترک» سخن گفت که معلوم نیست کدام یک از ارزش‌های رژیم سعودی مد نظر او است: دموکراسی، حقوق بشر، توسعه؟! بله، تنها ارزش مشترک این دو کشور، مقابله با نفوذ ایران در منطقه است و یا هر کشور و گروه دیگری که منافع زیاده‌خواهانه ایالات متحده را به رسمیت نشناسد.

او نیز مانند اوباما «تکبیرگفتن» در هنگام عملیات تروریستی را «توهین به ایمان هر انسان» دانست و تروریست‌ها را «بندگان مرگ، نه بندگان خدا» نامید اما نگفت چرا در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی صرفاً برای تحت فشار قراردادن شوروی، پنتاگون حاضر به تسلیح گروه‌های اسلامی تندرو و در نتیجه تولد القاعده و طالبان در افغانستان شد؟ او جنگ با تروریسم را «نبرد حق علیه شیطان» نامید اما نگفت با چه مستنداتی می‌توان اثبات کرد واشینگتن در جبهه حق ایستاده است؟! از این نگاه‌های بی‌پروا می‌توان فهمید چه کلاه گشادی در قرارداد نظامی چندصد میلیاردری بر سر شاهزاده‌های سعودی رفته است

ترامپ گفت روابط خود را با کشورهای عربی بر مبنای «واقع‌گرایی قاعده‌مند که ریشه در ارزش‌ها و منافع مشترک دارد» تنظیم می‌کند، و بلافاصله دستور داد «وظیفه هر کشوری در منطقه است که مطمئن شود تروریست‌ها و سربازان شیطان هیچ پناهگاهی در خاک او ندارند» تا «ایدئولوژی شیطانی» از منطقه رخت برنهد. مشخص است منظور او از ارزش‌های مشترک، همان منافع مشترک در اتهام‌زنی به گروه‌های مقاومت است و الا همه می‌دانند کشوری که میزبان او بود پایگاه ایدئولوژیک تکفیری‌های منطقه است.

او زمانی دورویی را به نهایت رساند که به سران عرب گفت آمریکا نمی‌تواند به جای شما در مبارزه با تروریسم تصمیم بگیرد، اما دستورات دقیقی برای به انزواکشیدن ایران، جلوگیری از حمایت مالی تهران از شبه‌نظامیان در منطقه و تحریک مردم ایران به تغییر نظام سیاسی این کشور صادر کرد.

کسی منکر این حقیقت نیست که تروریسم تکفیری، اسلامی نیست بلکه سوءاستفاده و سوءتعبیر از ارزش‌های اسلامی است. اما تفسیر به رأی‌های ترامپ از ارزش‌های کشورهای اسلامی صرفاً بدین معنا است که او تلاش کرد منافع واشینگتن را با ادبیات و زبان دینی منطقه توجیه کند و به سران حاضر در جلسه بقبولاند، کاری که در سایر مناطق جهان نیز متناسب با دغدغه‌های ملت‌های آن انجام می‌دهد

او در واقع خواست بگوید اسلام واقعی همانی است که مطابق منافع باند نظامی-سیاسی-اقتصادی حاکم بر ایالات متحده است. هر کسی منکر این مطلب است، امتحانش ساده است: اگر سران منطقه اعلام کنند حاضرند همان‌گونه که ایالات متحده می‌خواهد یکپارچه با تروریسم مقابله کنند به شرط اینکه تمام پایگاه‌های نظامی واشنگتن و تسلیحات آمریکایی در منطقه برچیده شود، آیا ترامپ می‌پذیرد؟

قطعاً او مفسر قرآن کریم نیست اما سکوت و همراهی حاکمان منفعت‌طلب منطقه به او اجازه چنین اظهارنظرهایی را می‌دهد.

منابع

<http://thehill.com/blogs/pundits-blog/the-administration/۳۳۴۴۵۴-full-speech-president-donald-trump-address-in-saudi>

<https://www.theatlantic.com/international/archive/۲۰۱۷/۰۵/the-muslim-world-is-a-place-that-does-not-exist/۵۲۷۵۵۰>

<https://www.theatlantic.com/international/archive/۲۰۱۷/۰۵/american-presidents-explain-islam-to-muslim/۵۲۷۴۱۵>

مشرق